

یادداشت روز

جنگ ساختی- نظامی و این پویش ۲۰ ساله

۱) سال ۱۳۸۲ وقتی سند چشم‌انداز ۲۰ساله به اجرا درمی‌آمد، درباره ایران ۱۴۰۴ می‌شد احتمالات گوناگونی را تصور کرد. اما شاید معدود کسانی در آن زمان می‌توانستند تصویری داشته باشند که با اتفاقات بیست سال بعد مطابقت داشته باشد. در سند چشم انداز پیش‌بینی شده بود ایران، بیست سال بعد قدرت اول منطقه باشد، اما کمتر کسی تصور می‌کرد این اقتدار، از متن نبردی دوران ساز پدید خواهد آمد.

۲) در این ۲۰ سال، چهار دولت (آقایان احمدی‌نژاد، روحانی، رئیسی و پزشکیان) با نوسانات دروگیری و سیار زیاد بر سر کار آمدند و راه کدام، اثباتا یا نفیا در شکل‌دهی آینده نقش آفرینی کردند. تلاطمات بیگانه ساختی با ناشی از غفلت‌های داخلی، عقب‌گره‌های فرا موج شد و بالا همان تهدیدها، با انباشت عبرت و تجربه، بلکان صمود به مراتب بالاتر اقتدار و پیشرفت شد. در این پویش تاریخی، هر جا متولیان امر، بیشتر به راهبردهایی مانند مقاومت، اقتصاد مقاومتی درون‌زا و برون‌نگر، پیشرفت و عدالت افتادند کردند، موفقیت‌های خیره‌کننده‌ای به اتفاق افتاد.

۳) فتنه نیابتی سال ۱۳۸۸ به عنوان دست‌اندازی در مقابل شتابان پیشرفت کشور، اجرای تحریم‌های فلج‌کننده به حمایت از آن آشوب ناگام، وقوع انحراف در دولت‌وقت و سپس روی کار آمدن دولتی با آرزوی مذاکره و بستن یا کدخدا که هشت سال از فرصت‌های ملی را تباه کرد، پس از آن اهتمام دولت شهید رئیسی به جبران برخی عقب افتادگی‌ها

در کمتر از سه سال، و سرانجام تشکیل دولتی که می‌خواست برخی عبرت‌ها را به یاد مذاکره محرو و خوش‌بین به توافق با آمریکا را از نو تجربه کند، توضیحی است بر انبوه فراز و نشیب‌هایی که طرف دو دهه گذشته در مسیر پویش تاریخی کشور پدید آمده است. در سال آخر این پویش ۲۰ ساله، آمریکا و اسرائیل خائنکار، دو بار حمله کردند، با این اربزایی که ایران ضعیف شده و طرف چند روز، او از پا درمی‌آید و می‌شود آن را تجزیه کرد و منابعش (ا مثل ژئوتولا، اوکراین و سعودی) به غارت برد.

۴) امروز، روز صد و پنجاهم از جنگ تحمیلی دوم است. جنگ، فردا در حالی وارد ماه ششم می‌شود که هیچ یک از اهداف دشمن ضرور عملی نشده است. تنها نبردهای سیاسی و نظامی، اقتصادی و اجتماعی اتفاق نیفتاده، بلکه شکستی به سابقه در هشتاد ساله به آمریکا تحمیل شده است. اکنون تحلیلگران بسیاری در غرب می‌گویند که ایران از متن جنگ، به عنوان چهارمین ابرقدرت دنیا سر برآورده است. قدرت اول منطقه، نه چهارمین ابرقدرت دنیا. بله ما در داخل، مشکلات فراوانی داریم که نمی‌توان نادیده انگاشت. می‌شد مدیران ما در پویش بیست ساله چنان چشی کنند که بسیاری از مشکلات امروز نباشد. این نقد درست‌ست، از کین حال، ایران با وجود همه تحریم‌های خارجی و خود تحریمی‌های داخلی، توانسته در مقابل جنگ ترکیبی تاب بیاورد و شکستی فاحش را به دشمن تحمیل کند. حتما نیروهای سلحشور نظامی ما نقش مهمی در این فتح بزرگ داشته‌اند. اما نقش قدرتمند نبودن و دیگر بخش تاب‌آور و حمایت‌گای نشان نمی‌دادند، آیا بخش نظامی به تنهایی می‌توانست مقاومت کند و دشمن را چنان به ستوه آورد که در خواست آتش‌بس و توقف جنگ کند؟

۵) جنگ تحمیلی سوم، نهم اسفند سال ۱۴۰۴ با دومین خیانت آمریکا به مذاکرات آغاز شد. اما چهل روز بعد (روز ۱۹ فروردین) در حالی که روند جنگ بر عکس برآورده‌ای دشمنین می‌رفت، به درخواست آمریکا، به آتش‌بس انجامید. مذاکره و زد و خورد کم‌شدت، برای یک‌ده و نیم دیگر ادامه داشت تا اینکه «تفاهم نامه خامه جنگ» در تاریخ ۲۷ خرداد، به امضا رسید. «تفاهم نامه» پیش‌نهادت ایران و حتمی تفاهم نامه امضا کرده را «کاغذ پاره» خواند و نه‌انیا ۱۷ تیرماه مدعی پایان تفاهم نامه شد. او مجددا جنگ را از سر گرفته، اما پس از ۱۳ روزه، بدون اعلام قبلی و در حالی که وانمود می‌کرد در مسئله حمله ویرانگر به زیرساخت‌های ایران است، بی‌سر و صدا حملات را متوقف کرد؛ زمانی که تلفات و خسارات آمریکا رو به افزایش بود، جبهه دریای سرخ با شدت بود و برخی تأسیسات نفتی و نفتکش‌های سعودی، در معرض حملات موشقو بین قرار داشت.

۶) جنگ‌های اخیر در حالی به کشور ما تحمیل شد و توافقات یکی پس از دیگری زیر پا گذاشته شد، که برخی سیاست‌مدان رندار یافته و به روز نشده، با دیدنیایی قلابی و متصلبی، ادعای کردن اسامی نشان آمریکا زیر تهدداتش بزند یا همزمان با مذاکره و توافق، حمله کند؛ مبتنی بر این خطای شناختی نفوذ زده، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های سیاسی مدعی اعتدال ایران در دهه ۱۴۰۰، مرداد ۱۴۰۵ گفت: «اگر می‌بینید آلمان و ژاپن محکم‌ترین اقتصاد دنیا را دارند، بعد از جنگ جهانی دوم از اینکه نیروی نظامی داشته باشند، محروم شدند، نیروهای نظامی پشتیبان خرج کشورهای در حال جنگ می‌زدند و از این رو با این اقدام پول‌هایشان آزاد شد و به دنبال کارهای علمی و تولیدی رفته و اقتصاد دانش بنیان درست کردند. لذا دیگر سیاست‌مدار نمی‌توانستند، این راه در برابر پا زده شده است.» ۹ سال بعد و با می‌پاشیده حملات آمریکا، دبیر کل حزب کارگزاران گفت: «توانایی موشکی و پهپادی، در جنگ به داد ایران رسید».

۷) در یک رزادنیایی کلی می‌توان گفت که در نمودار تحولات میدانی، توان آفندی و پدافندی و اطلاعاتی ایران طرف پنج هام جنگ، دانفا ارتقا پیدا کرده و در مقابل، متلاطمی توان آفندی آمریکا رو به افول شده و نشریه به انگلیسی تلگراف دیروز با ابراز حیرت نسبت به ارتقای توان دفاعی ایران نوشتست: «اگر در ابتدای جنگ، لانچر یک موشک ایران هدف قرار می‌گرفت، در ۱۵ ساعت توان عملیاتی مجدد برای شلیک از همان نقطه فراهم می‌شد. این زمان در روزهای اخیر به کمتر از ۲۰ دقیقه رسیده استست. پنج ساعت از آن جنگ، ذخایر و توانایی موشکی ایران به اندازه‌ای است که می‌تواند تهدیدات کلیدی علیه پایگاه‌ها و متافع آمریکا وارد کند». این نشریه سه ماه قبل، (سوم اردیبهشت) هم خبر مهمی را منتشر کرده و نوشته بود، «بناگهان یکت فشار جنگ بر ایران پیاپی‌شده است». بنتانگو، که تحت رهبری پنت هگست به هرج و مرج و خیانت کشیده شده، در حال از دست دادن ایده‌های برای پایان دادن به «درگیری با ایران است».

۸) اتفاقات یک سال گذشته به ویژه پنج ماه اخیر در متن دوگانه «مذاکره - جنگ»، ابنایی انباشته از تجارب و عبرت‌های بزرگ است. این دوره به علاوه روند بیستست سال گذشته به ما می‌آموزد که امنیت و پیشرفت و موفقیت، یک پویش بر زحمت اما شیرین ملی است و نه کلاهی وارداتی در طریق واگذاری منابع درخت از دشمن خرنه و وحدت و همدلی ذیل هدایت رهبری، بنیان این پویش مهم است. مقاومت و تاب‌آوری برای عقب راندن دشمن و تأمین امنیت و پیشرفت کشور، نه تنها ابزاری مهمان پذیر است که در مقابل تهدیدات دشمن، یک صدا در کشور شنیده شود. این همان نکته مهمی است که سر دار حکیم، شهید سلیمانی، مهر ۱۳۹۵ بیان کرد: «مهم‌ترین مؤلفه وحدت، خود دشمن است. اگر در خطر صمد باشد، یعنی، یکی قدر باز دشمن نیست، دوست است و یکی گفت دشمن است، همان می‌شود که در جنگ صفین، طومار سپاه المومنین(ع) را به رب ریخت. اگر کسانی که در منصب‌ها قرار گرفته‌ند، آدرس غلط دهند و در جامعه دودمایی پیرامون دشمن به وجود آوردند، مرتکب خیانت شده‌اند. کوچه دادن به دشمن بدترین نوع خیانت است. ترفیع فهم غلط از دشمن، «حساسیت جامعه را از بین ببرد». در درون آن روح ایجاد کردن، خیانت است».

۹) عمود خیمه حکومت اسلامی، ولایت و امامت و حاکمیت ناشی از اهل بالا در خداوند متعال در سوره حیات بر پس از آنکه مؤمنان را از صلا بر دین صیادی خود در مقابل صیارات امری (ص) برحذر داشت، هشدار داد: «وَاعْلَمُوا أَن فِیکُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوْ نَطِيعْکُمْ فِی کَثِیر مِّنَ الْأَمْرِ لَعْتَمَدَ...» به‌اینکه که میان شما، پیامبر خداست؛ اگر در بسیاری از امور، از شما پیروی کنید، همان به رنج و هلاک می‌انفتید». پروردگار حکیم، همچنین در سوره نساء با سوگند مودک می‌فرماید: «لَا رِبْکَ لَوْ نَطِيعْکُمْ حَتَّى تَخْشَکُمْ فِیمَا سَخَّرَ بَیْنَهُمْ مِّنَ لَّحْمِ الْبَیْطِ فَإِنَّهُمُ خَرَجَا مِمَّا قَضَيْتُمْ وَنَسَیْلُوا تَسْلِیْلًا». به پروردگار سوگند که آن مؤمن حقیقی نخواهند بود، مگر آنکه آن را در آنچه برهمشروع شد، طاغوت است؛ اطاعت داری بپذیرند؛ سپس از حکمی که کردای در وجودشان هیچ دالنتگی و ناخشنودی احساس نکنند، و تسلیم کامل باشند».

۱۰) امام خمینی (قدس الله نفسه الشریک) بارها دربارشان و جایگاه ولایت فقیه، تذکر و توجه داد و از جمله فرمود: «یا خدا، یا طاغوت، یا خداست، یا طاغوت. اگر با امر خدا نباشد، رئیس جمهور با نصب قبضه نباشد، هم‌شروع و وقتی بهر‌شروع شد، طاغوت است؛ طاغوت است؛ اطاعت او اطاعت طاغوت است؛ وارد شدن در حوزه او وارد شنن در حوزه طاغوت است».

بقیه در صفحه ۷

سرویس سیاسی-

گزارش افشاگرانه رسانه‌های

غربی مثل **نیویورک تایمز** نشان می‌دهد عقب‌نشینی تاکتیکی ترامپ، ناشی از ته کشیدن ذخایر جنگی سنگتنام است؛ از این رو، اعتماد دوباره به فریب مذاکره، خطایی مهلک خواهد بود. اکنون زمان خاموشی میدان نیست، بلکه هنگام تثبیت نظم جدید با تداوم حملات کوبنده دشمن و شکستن محاصره دریایی است.

ماشین جنگی ایالات متحده در خلیج فارس به گل نشسته است. فاش‌شدن گزارش‌های محرمانه و تناگون و اعتراف صریح رسانه‌های غربی از جمله نیویورک‌تایمز نشان می‌دهد عقب‌نشینی تاکتیکی ترامپ و مانور مجدد او بر سر «آتش‌بس» و «دیپلماسی» نه از سر اقتدار، بلکه ناشی از «ته‌کشیدن ذخایر موشکی و پدافندی سنتکام» است. دشمن که در برابر حملات ضربتی و نظفان‌های اولی فلج شده، اکنون نیازمند یک «دوره تنفس» برای بازسازی توان تسلیحاتی خویش است. در این نقطه حساس، هرگونه دل‌خوش‌کردن به‌لیندند دیپلماتیک واشنگتن یا تفاهم‌نامه‌های مرده متولد شده، خطای محاسباتی بزرگی است. وقت خاموشی میدان نیست، بلکه هنگام تسهیل نظم جدید با حملات کوبنده و شکستن محاصره دریایی است.

افشای نیویورک‌تایمز

از عقب‌نشینی ترامپ
در حالی که ترامپ قمارباز در نیویورک‌کپست از «فکت مرگبار و حیرت‌انگیز موشک‌های ایرانی» در جغرافیای مقام‌های آگاه و منابع ارشد نظامی در واشنگتن نظامی آمریکا و مقرهای سازمان جاسوسی سپاه در منطقه خلیج داده که خسارات سنگین انسانی و تجهیزاتی به ارتش ترورسی آمریکا وارد کرده است.

تحت‌الصلی این عقب‌نشینی ناگهانی، طبق نوشته نیویورک‌تایمز، از یک تهدید جانی برای دشمن باعث شده است ذخایر موشک‌های پاتریوت و دیگر مهمات پدافندی ارتش آمریکا در بحرانی- کاهش یابد. این تصمیم پس از جلسه بحرانی روز جمعه ترامپ با اعضای کابینه و مشاوران ارشدش اتخاذ شد؛ جلسه‌ای که محور آن بررسی میان‌بایی‌مانده از سامانه‌های رهگیر سنتکام بود. ژنرال «دن کین»، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، در جلسات خصوصی صریحا و با لحنی هشدارآمیز به ترامپ یادآور شده است که «در صورت عقب‌نشینی عملیاتی گسترده روی کاغذ امکان‌پذیر است، اما ادامه این روند، ذخایر موشک‌های رهگیر آمریکا را به شکل خطرناکی نابود خواهد کرد. کشته‌شدن سه نظامی آمریکایی در اردن بر اثر ناگامی و فلج‌شدن سامانه پاتریوت ناشی‌شوک سنگینی به بدنه فرماندهی ارتش آمریکا وارد کرده و ثابتی بر این واقعیت است که سپر پدافندی آمریکا دیگر کارایی ندارد.

فریب آتش‌بس ترامپ را نخورید

ذخیره تسلیحاتی دشمن ته کشیده وقت شکستن محاصره دریایی است

غلوه بر ایسن، نیویورک‌تایمز به

فانکتورهای دیگری نظیر اسپیدبری شدید متحان عرب واشنگتن در برابر پاسخ موشکی ایران، نگرانی از بحران عمیق انرژی، فلج‌شدن اقتصاد جهانی و آوار موج فناهجویان آشاره می‌کنند. تحولات اخیر ثابت کرد که حملات ۱۳ شب متوالی آمریکا نه تنها نتوانست محاسبات نظامی تهران را تغییر دهد، بلکه طبق اعتراف مقام‌های آمریکایی، موجب انسجام، وحدت ملی و همبستگی بی‌سابقه در داخل ایران برای مقابله با تهدید خارجی شده است. از همین رو، مشاورانی نظیر جرد کوشر، ترامپ را متقاعد کرده‌اند که از درگیری در منطقه عقب‌نشینی کرده و به ترند قدیمی یعنی «دیپلماسی فرسایشی و فشار اقتصادی» روی آورد تا ارتش «دیپلماسی» را زیر بار فشار درخکندده موشک‌های ایرانی خارج شود.

زندگیتامیندناگون موشکی

اسلحه پاتریوت

گزارش نیویورک‌تایمز یک ادعای ایزوله نیست، بلکه بخشی از یک واقعیت بزرگ‌تر است که سایر رسانه‌ها و نهادهای تحلیلی غرب نیز صراحتا به آن اذعان کرده‌اند.

روزنامه انگلیسی‌گاردین در گزارشی تأکید کرد که ارتقای توان عملیاتی و تغییرات سخت‌افزاری در موشک‌های قطفان‌زن یک «حتمی واقعی» در میدان درت ایجاد کرده است. به نوشته گاردین، پاسخ‌های کوبنده ایران پدافند هوایی آمریکا را با چالش بی‌سابقه مواجه کرده و مصرف بی‌رویه رهگیرها باعث شده است ذخایر استراتژیک موشک‌های پاتریوت و تاد آمریکا به حدود نصف کاهش یابد.

ا س‌وی دیگر، روزنامه نیویورک‌تیمز از «فکت مرگبار و حیرت‌انگیز موشک‌های ایرانی» در جغرافیای مقام‌های آگاه و منابع ارشد نظامی در واشنگتن نظامی آمریکا و مقرهای سازمان جاسوسی سپاه در منطقه خلیج داده که خسارات سنگین انسانی و تجهیزاتی به ارتش ترورسی آمریکا وارد کرده است.

همزمان وب‌سایت خبری س‌سی‌ای افشا کرد که مصرف تسلیحات و په‌یوه موشک‌های گران‌قیمت نظفان‌زن در خاورمیانه، دولت ترامپ را دچار بحران و شکاف عمیق داخلی کرده است. فرماندهان ارتش پاتریوت اکنون بر سر یک دو راهی حیاتی مانده‌اند: آیا کل ذخایر موشکی واشنگتن را در نبرد با ایران بسوزانند یا آنچه مانده از ایران بازدارندگی در برابر تهدید چین در اقیانوس آرام حفظ کنند؟

مهم‌ترین نشانه از ته‌کشیدن ذخایر تسلیحاتی آمریکا را وب‌سایت تحلیل نظامی TWZ و پایگاه ویدیو فاش‌کرد. «برکستون‌کابو»، مدیرعامل شرکت اسلحه‌سازی RTX (رتینو سایل)، رسماً اعلام کرد که ارتش آمریکا برای تکمیل نیازهای رهگیر آمریکا در به‌شکل خطرناکی نابود خواهد کرد. کشته‌شدن سه نظامی آمریکایی در اردن بر اثر ناگامی و فلج‌شدن سامانه پاتریوت ناشی‌شوک سنگینی به بدنه فرماندهی ارتش آمریکا وارد کرده و ثابتی بر این واقعیت است که سپر پدافندی آمریکا دیگر کارایی ندارد.

خبر ویژه

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

اخبار کشور

فریب آتش‌بس ترامپ را نخورید

ذخیره تسلیحاتی دشمن ته کشیده وقت شکستن محاصره دریایی است

غلوه بر ایسن، نیویورک‌تایمز به

اینکه ارتش آمریکا پس از سه دهه مجبور می‌شود برای پرکردن خلأ پدافندی خود به سراغ تکنولوژی‌های دهه ۹۰ میلادی برود، گواهی روشن بر این حقیقت است که شلیک‌های مداوم و حجم سنگین موشک‌های ایرانی، سیستم‌ها پیشرفته مدرن آمریکا را بکلی کلافه و انبار ذخایر آن‌ها را تخلیه کرده است. پیش‌تر نیز پتانگون بیش از ۱۲۰۰ موشک نیز پتانگون بیش از ۱۲۰۰ موشک (هر کدام به ارزش ۴ میلیون دلار) از دست داده بود و وضعیت فعلی به نقطه‌ای بحرانی و بی‌سابقه رسیده است.

وقت خاموشی میدان نیست
حال که دشمن در تله استراتژیک خود گرفتار شد و ماشین جنگی‌اش به اختلال افتاده است، واشنگتن بار دیگر نقاب «مذاکره» و «تفاهم» بر چهره زده است. در روزهای اخیر، هم‌زمان با توقف ناگهانی حملات هوایی آمریکا به خاک ایران، مجددا روزمه‌هایی از دیپلماسی مستقیم می‌شود و برخی مقامات دولتی از پیشرفت مذاکرات در عمان درباره تنگه هرمز بر اساس بند ۵ تفاهم‌نامه قبلی سخن می‌گویند. این روند نیازمند دقت نظر و هوشمندی مضاعف است؛ چرا که به نظر می‌رسد فریب آتش‌بس و ادعاهای دیپلماتیک ترامپ را نباید خورد. در تحلیل ایجاد نپنهان این حرکت، چند ملاحظه اساسی به نظر قرار می‌گیرد.

نخست اینکه واشنگتن تلاش دارد یک «دوره تنفس» برای خود ایجاد کند؛ آمریکا که با کمبود شدید موشک پدافندی روبروست و توان ترمیم پدافندهای مستقر در منطقه را ندارد، به نیاز زمان نیاز دارد تا با استفاده از فضای مذاکره، جلوی پاسخ‌های ایران را بگیرد و به خطوط تولید اسلحه‌سازی‌های آمریکایی فرصت دهد تا پدافندی‌های خالی‌شده سنتکام را دوباره پر کنند. ملاحظه دیگر تجربه تست تفاهم‌نامه‌های بی‌اعتبار است. اصرار برخی جریان‌های داخلی بر پیگیری تسلیحاتی نامرئی (نظیر آنچه در اسلام‌آباد شکل گرفت) از زمان روز اول توسط واشنگتن نفخ شد و خود ترامپ پیاپی آن را اعلام کرد، یک خطای محاسباتی تکراری به شمار می‌رود. طرف آمریکایی نشان داده که به محض مهر التیهاب بازار انرژی و بر شدن مجدد انبارهای پاتریوت‌اش، تهددات خود را نادیده خواهد گرفت.

جنگ زمانی به پایان می‌رسد که نظم جدید منطقه بر پایه حاکمیت مطلق ایران بر تنگه هرمز تثبیت شود. آمریکا معمولاً با مذاکره و امضای تفاهم‌نامه‌ها به این نظم تن نخواهد داد و بیشتر با زبان موشک عقب‌نشینی می‌کند. امروز که ارتش آمریکا با بحران کمبود شدید مهمات دست و پنجه نرم می‌کند، وقت عقب‌نشینی یا دل‌خوش‌کردن به سراب دیپلماسی نیست. راه ایجاد امنیت پایدار و رفع محاصره بنادر جنوب، از پاسخ‌های قاطع میدانی می‌گذرد؛ با تدبیر و ضرات مبتنی می‌توان دشمن را در همین نقطه ضعف تاریخی متوقف ساخت. محاصره دریایی را شکست و نظم منطقه‌ای را تثبیت نمود.

ملاحظه سوم این است که دیپلماسی فعلی، پوششی برای تثبیت محاصره دریایی است. نکته اساسی اینجاست که در حاکمیت حملات هوایی به خاک ایران را متوقف کرد، اما محاصره دریایی بنادر جنوبی ایران همچنان برقرار است. ترامپ می‌خواهد با خروج از سر محاصره ایران، محاصره اقتصادی و محاصره فرهنگی را بدون دادن هیچ هزینه‌ای حفظ کند.

حقیق میدان روشن است؛ برای اعمال حاکمیت کامل ایران بر تنگه هرمز و ایجاد مجدد امنیت منطقه‌ای، تکیه بر کاغذها و تفاهم‌نامه‌های التماسی راهگشا نیست و تا زمانی که قدرت در میدان تثبیت نشود، دیپلماسی محض حقیق میدان روشن است؛

دیپلماسی فعلی، پوششی برای تثبیت محاصره دریایی است. نکته اساسی اینجاست که در حاکمیت حملات هوایی به خاک ایران را متوقف کرد، اما محاصره دریایی بنادر جنوبی ایران همچنان برقرار است. ترامپ می‌خواهد با خروج از سر محاصره ایران، محاصره اقتصادی و محاصره فرهنگی را بدون دادن هیچ هزینه‌ای حفظ کند.

حقیق میدان روشن است؛ برای اعمال حاکمیت کامل ایران بر تنگه هرمز و ایجاد مجدد امنیت منطقه‌ای، تکیه بر کاغذها و تفاهم‌نامه‌های التماسی راهگشا نیست و تا زمانی که قدرت در میدان تثبیت نشود، دیپلماسی محض حقیق میدان روشن است؛

دیپلماسی فعلی، پوششی برای تثبیت محاصره دریایی است. نکته اساسی اینجاست که در حاکمیت حملات هوایی به خاک ایران را متوقف کرد، اما محاصره دریایی بنادر جنوبی ایران همچنان برقرار است. ترامپ می‌خواهد با خروج از سر محاصره ایران، محاصره اقتصادی و محاصره فرهنگی را بدون دادن هیچ هزینه‌ای حفظ کند.

حقیق میدان روشن است؛ برای اعمال حاکمیت کامل ایران بر تنگه هرمز و ایجاد مجدد امنیت منطقه‌ای، تکیه بر کاغذها و تفاهم‌نامه‌های التماسی راهگشا نیست و تا زمانی که قدرت در میدان تثبیت نشود، دیپلماسی محض حقیق میدان روشن است؛

حقیق میدان روشن است؛ برای اعمال حاکمیت کامل ایران بر تنگه هرمز و ایجاد مجدد امنیت منطقه‌ای، تکیه بر کاغذها و تفاهم‌نامه‌های التماسی راهگشا نیست و تا زمانی که قدرت در میدان تثبیت نشود، دیپلماسی محض حقیق میدان روشن است؛

حقیق میدان روشن است؛ برای اعمال حاکمیت کامل ایران بر تنگه هرمز و ایجاد مجدد امنیت منطقه‌ای، تکیه بر کاغذها و تفاهم‌نامه‌های التماسی راهگشا نیست و تا زمانی که قدرت در میدان تثبیت نشود، دیپلماسی محض حقیق میدان روشن است؛

حقیق میدان روشن است؛ برای اعمال حاکمیت کامل ایران بر تنگه هرمز و ایجاد مجدد امنیت منطقه‌ای، تکیه بر کاغذها و تفاهم‌نامه‌های التماسی راهگشا نیست و تا زمانی که قدرت در میدان تثبیت نشود، دیپلماسی محض حقیق میدان روشن است؛

گفت و شنود

گفت و شنود

توصیه شکسپیر به دولت انگلیس!

گفت: دولت انگلیس اعلام کرده است که فرودگاه‌های خود را برای حمله به ایران در

اخترا آمریکا قرار می‌دهند

گفت: با این حساب دولت انگلیس هم یک کشور متخاصم تلقی می‌شود و باید به فهرست اهداف مشروع و ایران برای حمله نظامی و مصادره کشتی‌های تجاری اضافه شود.

گفت: دیروز مردم انگلیس در شهرهای این کشور و از جمله لندن دست به تظاهرات زده و به این تصمیم دولتشان اعتراض کرده‌اند. چند نماینده مجلس انگلیس و رسانه‌های این کشور نیز تصمیم دولت انگلیس را احقانه دانسته و گفته و نوشته‌اند که انگلستان توان مقابله با ایران را ندارد.

گفت: گاش دولت احقن انگلیس به نصیحت شکسپیر توجه می‌کرد که گفته است «یا به اندازه آرزوهای تلاش کن و اگر نمی‌توانی به اندازه توانت آرزو کن». یعنی وقتی توان انجام کاری را نداری غلط می‌کنی که غلط زیادی می‌کنی(۱).

نکته

مراقب باشید خنجر شمر گم نشود!

۱- چند سال قبل در صدر یادداشتی آورده بودیم: «اواخر دهه ۷۰ هنگامی که در ادامه سلسله گزارش‌های کیهان درباره «زورته‌های بسادآورده» به پرونده فساد اقتصادی یکی از سرت‌های بزرگ رسیدیم و با اشاره به اسناد و مدارک موجود، سوءاستفاده‌های کلان این شرکت پرده برداشتم، یکی از حقوق‌دانان کشورمان که پای ایشان نیز به مناسبتی در این ماجرا به میان آمده بود، به کیهان آمد. ایشان، ابتدا به سوءاستفاده‌های کلان مالی در شرکت مورد اشکارسه اذعان کرد و در مقابل پرسش نگارنده که چرا جنابعالی در مقابل این فساد بزرگ سکوت کرده‌اید؟ گفت: آنچه مرا نگران کرده، تخلفاتی است که در جریان بازپرسی و بازداشت‌شمن صورت پذیرفته است و به برخی از موارد، نظیر خودداری از اجازه ملاقات به خانواده متهم و چگونگی بازداشت وی که بعدا معلوم شد صحت نداشته است اشاره کرد و پرسید: «یا شما می‌دانید که مطابق قوانین اسلامی اگر شرع، خنجری را که با آن امام حسین علیه‌السلام را به شهادت رسانده است، نزد کسی امانت بگذارند، باید این امانت را محترم دانست و با وجود کسبی که صاحب آن مرتکب شده است، نمی‌توان امانت او را نادیده گرفت...» در پاسخ به سؤال ایشان که با حالتی حق‌به‌جانب مطرح شده بود، عرض کردیم: «یا شما می‌دانید که اشکال کار جنابعالی و امثال شما چیست...؟ عصر عرواست، حسین‌بن علی(ع) و

۲۲ تن از برترین بندگان خدا، تنها به تعلق خودخادگی و عدالتخواهی در دفاع از حریم اسلام به شهادت رسیده‌اند، فرزندان و خاندان رسول خدا(ص) را به اسارت گرفته‌اند، خیمه‌های آل‌الله را به آتش کشیده‌اند، کودکان خردسال شهدا در تاریکی شب در بیابان سرگردان شده و راه گم کرده‌اند، زینب کبری سلام‌الله علیها با چشمان گریان و راس‌سیمه اطراف خیمه‌های آتش گرفته را در جست‌وجوی کودکان می‌کود، حرامیان از هر سو به حریم اهل‌بیت پیامبر خدا(ص) می‌تازند... و در این میان افرادی به جای آن که دینی از آستین همت و غیرت بیرون آورده و اگر توان و جسارت مقابله با دشمنان خدا را ندارند، لاقال آبی بر آتش خیمه‌ها بریزند و گامی در حمایت از اسرا بردارند، پرورده و هتشار می‌دهند که مراقب باشید مبدا «خنجر شمر گم شود و در این امانت، خیانتی صورت پذیرد...»

۲- این روزها، در حالی که دشمنان اسلام و انقلاب از هر سو به ایران عزیز و مردم شریف و پاکبخته این مرز و بوم هجوم آورده‌اند و تمامی توان مردم و نظام برای مقابله با این هجوم وحشیانه و جنایتکارانه به میدان آمده است و در حالی که نه فقط دوستان بلکه دشمنان تابلودار کشور عزیزمان نیز به پیروزی شکست‌انگیز ایران بر آمریکا و رژیم صهیونیستی در میدان و خیابان اعتراف دارند و از س‌وی دیگر، مردم با خدات مشکلات سخت

تغییر گرانی افسارگسیخته قیمت کالا و برخاست عمومی، تورم ... و دست به‌گریباندن، انتظار از همگان و مخصوصاً مسئولان ذی‌ربط و احزاب و گروه‌های سیاسی آن است که از یک‌سو همه توان خود را برای پاسداشت ایستادی مثال‌زدنی و حماسی مردم به کار گیرند و از دیگر سو دست‌ا آستین همت بیرون آورند و گره‌ای از مشکلات اقتصادی پیش‌روی ملت را بگشایند، ولی متأسفانه در راه‌ای از موارد هرچند اندک و کم‌شمار شاهد پرداختن برخی از

جریانات به مسائل حاشیه‌ای و بی‌اهمیت و با کم‌اهمیت هستیم که نقش بسبب صوتی و نارنجک دودزا را بازی می‌کنند و هدف نهائی که دشمنان برای این‌گونه رخدادها و جنجال‌ها تعریف کرده‌اند، انحراف افکار عمومی و ذهن مسئولان از مسائل اصلی و سرگرم کردن آنان به مسائل حاشیه‌ای است یعنی دقیقاً همان کار ویژه‌ای که بمب‌های صوتی و نارنجک‌های دودزا دارند که در پوشش دود و صدای آن، نگاه و توجه ایسن و آن را از کانون اصلی به نقطه‌ای فرعی جلب می‌کنند و سپس به نقطه حساس و اصلی مورد نظر دست‌نزداری می‌کنند و با زمینه دست‌نزداری به نقاط حساس را

برای عوامل پنهان خود فراهم می‌آورند!

۳- شناخت رخدهایی که نقش نارنجک‌های دودزا و بمب‌های صوتی را دارند، چندان دشسوار نیست. در این‌گونه موارد، دست‌کم دو فرمول قابل قبول برای تفکیک حاشیه‌ها از مسائل اصلی و تشخیص س‌یره از ناسره وجود دارد.

الف- وزن کشی؛ با این توضیح که می‌توان موضوعی را که به عنوان مسئله اصلی مطرح شده است و با سر و صدا در آن می‌دمند، با مسائل حساس و نیازهای عمومی و حیاتی مردم به مقایسه نشستست و میزان اهمیت (وزن) آن را با میزان اهمیت مسائل دیگر، ارزیابی کرد. به‌عنوان مثال: در اوج مسائل حساس و تعیین‌کننده‌ای که نظام و مردم با آن روبرو هستند، تعطیلی برنامه فلان مجری ورزشی تا چه اندازه اهمیت دارد که بخشی از وقت گران‌بهای رئیس جمهور محترم رد به خود اختصاص بدهد؟

ب- رسانه‌ها و کانون‌های تابلودار دشمن نیز می‌توانند در این ارزیابی، مورد استفاده قرار بگیرند. وقتی تمام رسانه‌ها و کانون‌های خبری و تحلیلی دشمنان شناخته‌شده مردم و نظام، حاشیه‌سازان همصدا می‌شوند و BBC و VOA گارت گرفته تا مناقش مسائل و سلطنت‌طلب‌ها ... اصرار بر پوشش و جنجال درباره مسئله مورد اشاره را دارند، بی تردید می‌توان به حاشیه‌ای بودن حاشیه، عوامل دشمن هستند ولی دست‌کم می‌توان نتیجه گرفت، برخی از آن‌ها بی‌آن که بخواهند، در میدان دشمن به بازی گرفته شده‌اند و برخی نیز پادوهای نشان‌شده دشمن هستند که شناسائی و بر خورد با آن‌ها وظیفه تعریف‌شده مراکز امنیتی و قضائی است.

حسین شریعتمداری

صفحه ۲

دوشنبه ۵ مرداد ۱۴۰۵

۱۲ صفر ۱۴۴۸ - شماره ۲۴۱۹۶

کیهان و خوانندگان